

## بسم الله الرحمن الرحيم<sup>۱</sup>

### چند مثال ذیل نکته دوم

نکته دوم در مبحث شرایط جریان احتیاط این بود که گفتیم احتمال تکلیف که موجب حسن احتیاط می شود باید احتمال عقلایی باشد احتمال ساقط در نزد عقلاء نباشد. لذا عنوان می کنیم در مواردی توهم احتیاط است نه اینکه احتمال عقلایی باشد و حسن احتیاط بیاورد.

چند مثال را اشاره می کنیم که روشن بشود احتمال موهوم در نزد عقلاء بلکه احتمال ساقط در نزد عقلاء یعنی چه؟

**مثال اول:** در عبادات یکی از مطالبی که در کلمات فقهاء متاخرا مورد بحث قرار گرفته است، نیت است.

نیت معنایش این است که انسان بداند چه می کند و غافل نباشد، این نیت می شود. برخی از فقهاء یک احتمالاتی را در نیت مطرح کرده اند که این احتمالات سبب احتیاطاتی شده است. آیا تفکر در متعلق، در نیت دخیل است؟ آیا اخطار به قلب، در نیت دخیل است؟ آیا تلفظ به عبارت، در نیت دخیل است؟

بعضی بوده اند - از عبارات فقهاء استفاده می شود - که به خاطر این احتمالات یا این احتمالات مختلف را در شروع عمل یکی یکی می خواستند انجام دهند یا گاهی عمل را تکرار می کردند به خاطر احتمالات در حالی که اعتبار نیت و عدم غفلت از عمل، «**شی قیاساتنها معها**» بدانند چه کار می کند همین کافیست.

لذا شما روایات مختلف را در ابواب مختلف عبادات ببینید وقتی اجزاء عبادات را می خواهند بیان کنند یک مورد نمی بینید که امام علیه السلام فرموده باشند نیت کنید. نیت یعنی انسان غفلت نداشته باشد.

عبارت **صاحب مدارک** را ببینید: «و بالجمله فالمستفاد من الأدلة الشرعية سهولة الخطب في النية، وأن المعتبر فيها قصد الفعل المعين طاعة لله تعالى خاصة. وهذا القدر أمر لا يكاد ينفك منه عاقل متوجه إلى إيقاع العبادة. و من هنا قال بعض الفضلاء: لو كلف الله بالصلاة أو غيرها من العبادات بغیر نية كان تكليف ما لا يطاق..... و لم يقل: فکّر في النية و لا تلفظ بها و لا غیر ذلك من هذه الخرافات المحدثه.<sup>۲</sup>»

عبارت **صاحب جواهر** را ببینید: «نحو ما يصنعه بعض الناس عند إرادة النية للصلاة بناء على انه الاخطار من الأحوال التي تشبه أحوال المجانين.<sup>۳</sup>»

**مثال دوم:** در بحث حج که ما در بحث طواف بررسی کردیم، روایات می گوید «**البدء بالحجر**» واجب است طواف آغازش با حجرالاسود باشد طواف را از اینجا شروع کن. این معنایش این است که از ارکان دیگر طواف را شروع نکن و طواف از اینجا شروع کن.

از زمان **علامه حلی** این تشکیک وارد شده بعدا هم شدیدتر شده است «**و بدء بالحجر یعنی اول جزء من البدن يعادل اول جزء من الحجر**» اول جزء بدن با اول جزء حجر تقابل داشته باشد. حالا اول جزء بدن کجاست؟ بینی است، شکم است، انگشتان پا است؟ در حالی که مقصود از بدء به حجر این است که از اینجا طواف را شروع کن و از قبل یا بعد طواف را شروع نکن. اینجا مسلم است اینگونه احتیاطات احتمال موهوم است عقلاً بلکه ردی است این صحیح نیست.

**مقدس اردبیلی** که مرد احتیاط است، در فقه ما انسانی محتاط تر از **مقدس اردبیلی** شما پیدا نمی کنید در همین بحث می گوید: «و أظن أن أحداث مثل هذه الاحتمالات توجب الوسواس و تضييع الأوقات بتكرار الطواف مرّة بعد أخرى حتی يحصل ذلك كما فعلناه و رأينا كثيرا من الطلبة يفعل ذلك.<sup>۴</sup>»

**مثال سوم:** در بحث حج روایت داریم شانه چپ به سمت خانه خدا باشد حالا ما تحلیل کردیم یعنی از این طرف طواف نکن، شانه راست به سمت خانه خدا نباشد. حالا با این چه مواردی درست کرده اند که لحظه ای شانه از سمت خانه خدا منحرف نشود.

احتمال وصول به واقع احتمال عقلایی باشد و احتمال مردود در نزد عقلاء نباشد. هذا تمام الكلام در مبحث شرایط جریان احتیاط.

### شرائط جریان برائت عقلی

مورد دوم از اصول عملی برائت عقلی است. اصولیین برای اجرای برائت عقلی یک شرط ذکر کرده اند که چنانکه در آغاز این خاتمه اشاره کردیم اطلاق شرط اینجا مسامحی است، در حقیقت موضوعی که برائت عقلی را محقق می کند، آقایان تحلیل می کنند و آن موضوع این

۱ - جلسه ۳۴ - مسلسل ۲۴۹ - دوشنبه - ۱۴۰۰/۰۹/۱۵

۲ - مدارك الأحكام في شرح عبادات شرائع الإسلام؛ ج ۳، ص: ۳۱۱.

۳ - جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام؛ ج ۱۹، ص: ۲۹۰.

۴ - مجمع الفائدة و البرهان في شرح إرشاد الأذهان؛ ج ۷، ص: ۷۸.

است که قاعدهٔ قبح عقاب بلابیان که برائت عقلی است آنگاه جاری می‌شود که مکلف از بیان و دلیل فحص و جستجو کرده باشد و مأیوس شده باشد. جستجو چه مقدار باشد؟ بحث می‌کنیم. فعلا بحث در اصل لزوم فحص است.

بنابراین تا مکلف فحص نکند از بیان، مأیوس نشود از بیان، قاعدهٔ قبح عقاب بلابیان جاری نیست.

دقت کنید برای لزوم فحص در برائت عقلی که محقق موضوع است به دو بیان دلیل بر این مدعا ذکر شده است.

**بیان اول:** گفته می‌شود مقننین عالم و قانونگذاران وقتی می‌خواهند قوانینشان را ابلاغ کنند به مردم، روششان این است که قوانینشان را در معرض وصول قرار می‌دهند نه اینکه به تک تک افراد ابلاغ کنند و از آنها امضاء بگیرند بلکه با روزنامهٔ کثیر الانتشار قانون را در معرض وصول مردم می‌گذارند و این مردم هستند که با فحص و جستجو به قانون در معرض وصول خودشان را می‌رسانند.

شارع مقدس هم در روش ابلاغ بعث و زجر خودش طریق جدیدی را اعمال نکرده است، قوانین را یا در قرآن یا به توسط ابلاغ مبلغین در معرض وصول قرار داده است و این متدینین هستند که باید جستجو کنند و قانون در معرض وصول را به دست آورند.

اکنون که روش شارع این است سوال این است که چه زمان مکلف می‌تواند ادعا کند که بیان از سوی شارع بر حرمت شرب تنن نیست پس من عقلا آزادم و شارع نمی‌تواند عقاب کند؟

وقتی می‌تواند ادعا کند موضوع برائت عقلی محقق است که فحص کرده باشد.

اگر جستجو نکرده بود با اینکه روش شارع این است که به تک تک ابلاغ نمی‌کند و در معرض وصول است، نمی‌تواند ادعا کند موضوع بلابیان اینجا محقق شده است. بنابراین لسان بیان اول این است که اگر مکلف فحص نکند نمی‌تواند در تکلیف در معرض وصول ادعا کند بیانی از جانب شارع نرسیده است پس عقاب قبیح است. بیان دوم خواهد آمد.